

سرمقاله

اصلاحات در انتخابات باید جدی گرفته شود

محمدرضا هویدا

کمیسیون اصلاحات انتخاباتی، بسته پیشنهادهای خود را در ده ماده بیه منظور آوردن اصلاحات در نظام انتخاباتی کشور، در هشتم سنبله به دولت سپرد که نتیجه آن موافقت ریاست جمهوری با هفت ماده از ده ماده بود. یکی از مفاد پیشنهادات کمیسیون اصلاحات انتخاباتی این است که اعضای کمیسیون آفرین بوده و نباید با کمیسیون های انتخاباتی، برخورد سیاسی به جای آنها انتخاب شوند. تغییراتی نیز در قانون انتخابات پیش بینی شده است. در همین حال ریاست اجرائیه نیز گفته است که زمان برگزاری انتخابات ولسی جرگه، پس از عملی شدن اصلاحات انتخاباتی به حکومت پیشنهاد خواهد شد. و زمان انتخابات از سوی کمیشنران جدید کمیسیون انتخابات پیشنهاد خواهد شد، نه کمیشنران فعلی.

طرح کمیسیون اصلاحات انتخاباتی، اما با واکنش هایی از سوی کمیسیون مستقل انتخابات و همین گونه شماری از اعضای شورای ملی مواجه شده است. کمیسیون مستقل انتخابات هشدار داده است که در شرایط فعلی، تغییر درقوانین انتخاباتی بحران آفرین بوده و نباید با کمیسیون های انتخاباتی، برخورد سیاسی شود. معاون کمیسیون گفته که: با توجه به انتخابات قبلی، تقلبات و تخلفات انتخاباتی بصورت عموم ناشی از ناامنی های منطقی، عدم حاکمیت قانون، نبودآمار دقیق از نفوس، مداخله یکعده زورمندان، مقامات بلندپایه دولتی و کارمندان موقت کمیسیون در پروسه انتخابات می باشد. برای ریشه کن نمودن تقلبات انتخاباتی و برگزاری انتخابات شفاف و سالم باید اصلاحات لازم در همه موارد براساس قانون ایجاد شود. نباید با کمیسیون های انتخاباتی برخورد سیاسی صورت بگیرد و چنین برخوردی قابل قبول به کمیسیون نخواهدبود. کمیسیونهای انتخاباتی در همه کشورها از اعتبار ویژه برخوردار می باشند؛ زیرا همه مقامات انتخابات از مجرای همین کمیسیون ها به یست های اجرایی و تقنینی راه می یابند.

در عین حال شماری از نمایندگان ولسی جرگه نیز پیشنهادات کمیسیون مستقل انتخاباتی را دارای نواقص و خلاهای جدی می دانند و معتقدند که باید در این پیشنهادات تجدید نظر شود. نمایندگان معتقدند که تشکیل کمیسیون شفافیت به منظور نظارت از عملکردهای کمیشنران کمیسیون های انتخابات، تهیه لیست رای دهندگان و استخدام کارمندان وزارت های معارف و تحصیلات عالی در روزهای انتخابات، که از سوی کمیسیون اصلاحات انتخاباتی پیشنهاد شده است، نیازمند تجدید نظر است، چرا که عملی شدن این پیشنهادات با توجه به وضعیت کشور، تقریبا مقدور نیست.

گفته می شود که حدود هشت میلیون کارت رای دهی بدون صاحب و غیر واقعی در کشور وجود دارد. در عین حال توزیع تذکره الکترونیکی که در حال حاضر برای هر نوع پروسه رای دهی ضروری می باشد نیز با مشکل مواجه شده و تبدیل به یک وسیله برای بازی های سیاسی گشته است.

توزیع نشدن تذکره الکترونیکی که در این روزها مستمسکی برای جریان های مختلف شده، افغانستان را از داشتن یک انتخابات شفاف محروم خواهد کرد. کسانی که پروسه تذکره الکترونیکی را به یک پروسه سیاسی مبدل کرده اند و بر علیه یا له آن شعار می دهند و مظاهره می کنند، باید بدانند که این کار به نوع خود خارج کردن پروسه توزیع تذکره از حالت عادی اش و وارد کردن آن به راه دیگری است.

حکومت افغانستان در برخورد با مسایل ملی سخت ناهماهنگ عمل کرده است. کمیسیون اصلاحات انتخاباتی نیز با چنین سرنوشتی مبتلا خواهد شد. پیشنهادات اصلاحی کمیسیون می بایست با دقت نگرسته شود و راه حل های معقول آن عملی گردد. موضع گیری هایی که شباهیه منافع از آن ها می آید باید با جدیت تعقیب گردد. افغانستان یک انتخابات کاملا جنجالی را پشت سر گذاشته است و دیگر توان برگزاری انتخاباتی دیگر که چنین وضعیتی را داشته باشد، ندارد. به همین جهت برگزاری هر انتخاباتی باید با حساسیت و جدیت کامل باشد.

گذار از وضعیت کنونی افغانستان بدون برگزاری انتخابات شفاف و عادلانه امکان پذیر نیست. انتخابات ولسی جرگه نیز که باید به زودترین وقت برگزار شود نیز نشان خواهد داد که افغانستان کدام را برمی گزیند.

هجوم خیسل پناهجویان به اروپا همه را غافلگیر کرده است. آوارگان جنگ سوریه و افغانستان در پی صلح و آرامش و توده های محروم کشورهای آفریقایی، در پی کار و رفاه رو به اروپا غربی آورده اند. آن ها از کوه و دره، دریا و بیابان می گذرند تا در برخی کشورهای اروپای شمالی سر پناهی بیابند.

در مسیر خود درد و رنج بسیاری را تحمل می کنند و برخی حتی جان خود را از دست می دهند. به هر جا که می رسند نیز با شماتت و مانع روبه رو می شوند. ولی این نه از تعداد آن ها کاسته است و نه از شور و ولع آن ها برای مهاجرت و پناهجویی. تا همین چند هفته پیش کسی انتظار چنین موجی از جمعیت با این حد را تحمل و ایستادگی را نداشت. اکنون این ترس به جان سیاستمداران و احزاب افتاده که این موج را نه فقط توقفی نخواهد بود که گسترده تر نیز خواهد شد. در گذار از استعمار به جهانی پسالاستعماری از آغاز دوران مدرن تا چند دهه پیش، پیشقراول سرمایه داری، غرب، با توپخانه، افسر و کارمند به آسیا و آفریقا می رفت تا با استعمار، تمدن را اشاعه دهد. با جنگ کشورها و مردماتش تسخیر می شدند، سپس دستنگاهای اداری مستقر می شد و آن گاه کالا و سرمایه از راه می رسیدند. دستاورد فرایند ادغام اقصی نقاط جهان در نظم جهانی، سسرمایه داری بود. در نهایت، تجارت، تولید صنعتی، مصرف گرایی و زیست در قلمرو دولت ملی غایت نشد همه شد. غرب نه از راه دور و به وسیله صدور کالا و فرهنگ که با حضور فیزیکی خود در قالب سرباز، افسر، کارمند، کارشناس و پژوهشگر این کار را به انجام رساند. کسی خود شیفته ارزش های مطرح در غرب به تسخیر سرمایه داری در آمده، نبود. دستگاهی پیچیده متشکل از ارتش، بوروکراسی، پولیس، تجارت با زور، سربوک، ایدئولوژی، دروغ و فریب آن کار را به انجام می رساند.

استعمار همچنین جنگ ملی و سپس جنگ امپریالیستی بر سر تقسیم جهان را دامن می زد. زمین زیر پای همه می سوخت. به شکلی همه به این کار کشتا شده می شدند. نمی شد نیز نسبت به پدیده بی طرف ماند. اگر کسانی در جنگ شرکت می جستند تا چفت و بست های استعمار را مستحکم تر سازند، کسانی دیگر در پی راهی های ملی و حق تعیین سرنوشت می جنگیدند. در یک طرف درد و رنج مردم مستعمرات و خشم ملی گرایان را داشتیم و در طرف دیگر رویکرد مثبت سیاستمداران و سوداگران غرب. استعمار خود را عامل تمدن، رونق تجارت و رهایی از سنت های

پناهجویی، پناهندگی و جهانی شدن

محمدر فیع محمودیان / قسمت اول



یکی از مهم ترین نظریه های سیاسی جهان معاصر که از آن برای بررسی مساله آوارگی و پناهندگی نیز بهره گرفته شده، نظریه فیلسوف ایتالیایی، جورجو آگامبن، درباره اردوگاه است. آگامبن بر آن است که در اردوگاهی همچون اردوگاه آشویتس، قانون به تعلیق در می آید. این استثنایی بر قاعده کلی حاکمیت قانون است ولی در قلمرو قدرت حاکم قرار دارد.

با استفاده از بحث فیلسوف آلمانی، کارل شمیت، آگامبن مبنای قدرت حاکم را تعیین و اعلام وضعیت بیضه، وضعیت استثنایی، می داند. حاکم با در نظر گرفتن شرایط، حکم بر لغو حاکمیت قانون می کند. این امر صرفا به آن خاطر نمی گویم که در اردوگاه با انسان ها آن چه می توان کرد که قانون اجازه آن را نمی دهد. در اردوگاه می توان انسان ها را شکنجه کرد و آن ها را دسته دسته جمع، بدون در نظر گرفتن وفاداری به نظام قانونی بازجویی و محاکمه، کشت. ولی این استثنایی است که در چارچوب قاعده می گنجد. اعلام حالت ویژه در قلمرو قدرت حاکم جسی دارد. قانون اساسی بسیاری از کشورها این را مشخص و تبیین کرده است. در نتیجه آن چه در اردوگاه رخ می دهد تفاوت چندانی با آن چه به طور کلی در جامعه می گذرد، ندارد. مفهوم قدرت زیستی میشل فوکو اشاره به اعمال قدرت دولت و جامعه مدرن بر رویکردهای جمعیتی مردم دارد. بهداشت، سلامتی، باوروی و توانمندی شهروندان در نظارت و استننا و قاعده

است. پناهجویان از جایی که دارالحرب شده است می گریزند و در دارالسلام غرب پناه می جویند. ارزشی سنتی و اسلامی ناگهان در وجود کفری مدرن مادیت پیدا کرده است. قلمرو جنگ، جایی که تا همین جنگ جهانی دوم، خون از هر حرکت سیاسی فوران می زد، اینک قلمرو صلح شده و بهشت عدن صلح و آرامش، قلمرو توحش جنگ شده است. این اصل شکل سلطه متحول شده است. این اصل قضیه است. استعمار در آغاز قرن بیستم به امپریالیسم تبدیل شد. سلطه جغرافیایی معطوف به فروش کالا و استثمار مستقیم نیروی کار به تدریج به سلطه ناب اقتصادی تغییر شکل داد. سرمایه در شکل ناب خود، سرمایه مالی، جهان را قلمرو ترکنازی خود ساخت. سرمایه، امروز بر تمامی عرصه های زندگی شخصی و اجتماعی انسان ها تسلط یافته است. ولی امروز آن چه بیش تر، به چشم می آید، سلطه درونی و ذهنی سرمایه داری است. هژمونی مورد نظر آنتونیو گرامشی برقرار شده است. مرکز استقرار سرمایه داری، غرب، قلمرو ارزش ها و شیوه زیستی مطلوب به شمار می آید. در بقیه جهان، برداشت عمومی آن است که از خود باید گریخت و به آن پناه آورد. با چنین برداشتی است که خیال آوارگان خود را به مرزهای اروپا می رسانند و خواستار پناهندگی بر مبنای حقتمن های جاری در غرب می شوند.

جمعیت آن (نزدیک به یک و نیم میلیارد تن) چنان انبوه است که وزن کلی اقتصاد آن به سطحی بی سابقه رسیده است. درواغ، ازدسامبر سال ۲۰۱۴، چین از نظر قدرت خرید مردم خود نخستین قدرت اقتصادی جهان است. اقتصاد آن ۵.۱۶ درصد از اقتصاد جهانی است در صورتی که ایالات متحده که ازسال ۱۸۷۲ «نخستین قدرت اقتصادی جهان» بوده، سسهمی ۳.۱۶ درصدی در اقتصاد جهانی دارد.

به رغم ضعف های قابل توجه، پکینگ به صورت تدریجی درحال تبدیل شدن به تنها قدرتی است که می تواند در میان مدت یک «قایت راهبردی» واقعی و واشنگتن داشته باشد. باراک اوباما، رئیس جمهوری امریکا هنگامی که تاکید می کند چین تنها کشور قادر به تقابل با ایالات متحده درنیمه دوم قرن بیست و یکم در عرصه برتری جهانی اش است، دچار اشتباه نیست.

در چنین چشم اندازی، چین که مصمم به رقابت با ایالات متحده در همه عرصه های قدرت است، جبهه ای جدید، این بار علیه سلطه مالی امریکا، گشوده است. اخیرا با ایجاد بانک سرمایه گذاری زیر بنایی آسیا (AIIB) - که فرانسه نیز در آوریل گذشته به آن پیوسته - پکینگ توانسته نشانه تازه ای از بلندپروازی های خود را به نمایش بگذارد.

هدف از ایجاد این بانک رقابت با صندوق بین المللی پول و بانک جهانی، دونهاد عینده مالی است که در پایان جنگ جهانی دوم، زیر حمایت واشنگتن در چهارچوب توافق برتون وودز ایجاد شده و از آن زمان توسط ایالات متحده و دنیای غرب کنترل می شود. همچنین، بانک سرمایه گذاری زیر بنایی آسیا در رقابت با بانک توسعه آسیایی (BAsD) نیز خواهد بود که درسال ۱۹۶۶ تاسیس شده و تحت کنترل ژاپن است. به این دلایل است که نه توکیو و نه واشنگتن - تا کنون - به بانک سرمایه گذاری زیر بنایی آسیا نیبوسته اند ولی در منصرف کردن متحان اصلی خود از پیوستن به آن نیز توفیق نداشته اند. سر رسید تعیین شده از سوی پکینگ برای حضور بمثابة «عضو مؤسس» در این بانک ۳۱ اپریل گذشته بود. در آن تاریخ، نزدیک به ۵۷ کشور، از جمله کشورهای عضو گروه موسوم به «بریکز» (برازیل، روسیه، هند و افریقای جنوبی) و نیز چند کشور شریک ایالات متحده مانند آلمان، انگلستان، فرانسه، ایتالیا، هلند، استرالیا، کوریا ی جنوبی، اسرئیل و غیره به آن پیوستند.

مراقبت دولت قرار می گیرد تا میزان معینی از جمعیت و نیروی کار در جامعه وجود داشته باشند. افراد به سمت رفتار معینی هدایت و پیش برده می شوند. در اردوگاه نظارت و مراقبت جمعیتی به اوج خود می رسد. آنجا قدرت به گونه ای مستقیم تر بر تمامی رفتار های مرتبط با زندگی و مرگ انسان ها اعمال می شود.

نظریه آگامبن را باید وارونه کرد تا بتوان درک دقیقی از هجوم آوارگان به غرب به دست آورد. اروپای غربی اردوگاه نیست. مرکز با یکی از مراکز جهان (سرمایه داری) است. به این خاطر استننا نیست. خود قاعده است. جای زندگی است؛ جای مطلوب و به هنجار زندگی. این کارم و بیش همه جهانیان و بیش تر از آن همه پناهجویان آسیایی و آفریقایی پذیرفته اند می گوشتند به آن شکل و بر آن مینا عمل کنند. غرب نیز بیه قلمرو حاکمیت قانون، حق و نظم شهرت یافته است. آنجا جایی است که قرار نیست استننا بدان راه یابد. قرار نیست استناد و هرج و مرج برخاسته از تصمیم های ناگهانی و دل بخواهی به آن راه یابد. آوارگان نیز خود را همچون موردی از تصمیم های ناگهانی و دل بخواهی به آن قرار نیست استناد و هرج و مرج برخاسته از تصمیم های ناگهانی و دل بخواهی به آن قرار نیست استناد و هرج و مرج برخاسته از تصمیم های ناگهانی و دل بخواهی به آن

از کاربرد قانون و مبحث حق معرفی کرده و باز می شناسانند. به سان جنگ زده، بی خانمان، قحطی زده، سسروکوب و رانده شده، مشمول برخورداری از حق پناهندگی می شمرند. آگامبن بر آن است که در همه جهان مورد یکایک آن ها را بر مبنای قانونی جهان شمول بررسی کنند.

ولی اروپای غربی قاعده ای است استوار بر استننا. این را فقط به آن خاطر نمی گویم که به باور جامعه شناسان بسیاری از ماکس وبر تا رندال کولینز، اروپای غربی تنها جایی است که به گونه ای استثنایی در این سرمایه داری مدرن شکل گرفته است. این امر صرفا به آن خاطر نمی گویم که شیوه زیست، حاکمیت و تفکر در غرب استثنایی در جهان است. ثبات، نظم، پویایی و سرزندگی شیوه زیست اجتماعی و اقتصادی غرب را (فقط شاید به استثنای آن هم مشروط، ژاپن) کم و بیش در هیچ جای دیگر جهان نمی توان یافت. بلکه آن را به این خاطر نمی گویم که غرب در شرایط کنونی در موقعیتی استثنایی قرار دارد. پناهجویان به کشورهای روی می آورند که برخی شان تا همین چند دهه پیش جامعه ای نظرقومی و «ژوادی» یکسره همگی بوده اند، دیگر باشان را سسروکوب می کردند و تعلق خوبی را مبنای شهروندی می دانستند. سیاسی ستیزی و نژادپرستی پدیده هایی مداوم و تکرار شونده تاریخ مدرن اروپا بوده اند. ادامه دارد

چین، رو به سوی قدرت مالی

اینیاسیو رامونه، برگردان شهیار نغی

دوم خواهد داشت. در حالی که نقش کنتشگران منطقه ای تعیین کننده خواهد بود. همچنین، بانک سرمایه گذاری زیر بنایی آسیا (AIIB) - که فرانسه نیز در آوریل گذشته به آن پیوسته - پکینگ توانسته نشانه تازه ای از بلندپروازی های خود را به نمایش بگذارد.

هدف از ایجاد این بانک رقابت با صندوق بین المللی پول و بانک جهانی، دونهاد عینده مالی است که در پایان جنگ جهانی دوم، زیر حمایت واشنگتن در چهارچوب توافق برتون وودز ایجاد شده و از آن زمان توسط ایالات متحده و دنیای غرب کنترل می شود. همچنین، بانک سرمایه گذاری زیر بنایی آسیا در رقابت با بانک توسعه آسیایی (BAsD) نیز خواهد بود که درسال ۱۹۶۶ تاسیس شده و تحت کنترل ژاپن است. به این دلایل است که نه توکیو و نه واشنگتن - تا کنون - به بانک سرمایه گذاری زیر بنایی آسیا نیبوسته اند ولی در منصرف کردن متحان اصلی خود از پیوستن به آن نیز توفیق نداشته اند. سر رسید تعیین شده از سوی پکینگ برای حضور بمثابة «عضو مؤسس» در این بانک ۳۱ اپریل گذشته بود. در آن تاریخ، نزدیک به ۵۷ کشور، از جمله کشورهای عضو گروه موسوم به «بریکز» (برازیل، روسیه، هند و افریقای جنوبی) و نیز چند کشور شریک ایالات متحده مانند آلمان، انگلستان، فرانسه، ایتالیا، هلند، استرالیا، کوریا ی جنوبی، اسرئیل و غیره به آن پیوستند.

جمعیت آن (نزدیک به یک و نیم میلیارد تن) چنان انبوه است که وزن کلی اقتصاد آن به سطحی بی سابقه رسیده است. درواغ، ازدسامبر سال ۲۰۱۴، چین از نظر قدرت خرید مردم خود نخستین قدرت اقتصادی جهان است. اقتصاد آن ۵.۱۶ درصد از اقتصاد جهانی است در صورتی که ایالات متحده که ازسال ۱۸۷۲ «نخستین قدرت اقتصادی جهان» بوده، سسهمی ۳.۱۶ درصدی در اقتصاد جهانی دارد.

به رغم ضعف های قابل توجه، پکینگ به صورت تدریجی درحال تبدیل شدن به تنها قدرتی است که می تواند در میان مدت یک «قایت راهبردی» واقعی و واشنگتن داشته باشد. باراک اوباما، رئیس جمهوری امریکا هنگامی که تاکید می کند چین تنها کشور قادر به تقابل با ایالات متحده درنیمه دوم قرن بیست و یکم در عرصه برتری جهانی اش است، دچار اشتباه نیست.

در چنین چشم اندازی، چین که مصمم به رقابت با ایالات متحده در همه عرصه های قدرت است، جبهه ای جدید، این بار علیه سلطه مالی امریکا، گشوده است. اخیرا با ایجاد بانک سرمایه گذاری زیر بنایی آسیا (AIIB) - که فرانسه نیز در آوریل گذشته به آن پیوسته - پکینگ توانسته نشانه تازه ای از بلندپروازی های خود را به نمایش بگذارد.

هدف از ایجاد این بانک رقابت با صندوق بین المللی پول و بانک جهانی، دونهاد عینده مالی است که در پایان جنگ جهانی دوم، زیر حمایت واشنگتن در چهارچوب توافق برتون وودز ایجاد شده و از آن زمان توسط ایالات متحده و دنیای غرب کنترل می شود. همچنین، بانک سرمایه گذاری زیر بنایی آسیا در رقابت با بانک توسعه آسیایی (BAsD) نیز خواهد بود که درسال ۱۹۶۶ تاسیس شده و تحت کنترل ژاپن است. به این دلایل است که نه توکیو و نه واشنگتن - تا کنون - به بانک سرمایه گذاری زیر بنایی آسیا نیبوسته اند ولی در منصرف کردن متحان اصلی خود از پیوستن به آن نیز توفیق نداشته اند. سر رسید تعیین شده از سوی پکینگ برای حضور بمثابة «عضو مؤسس» در این بانک ۳۱ اپریل گذشته بود. در آن تاریخ، نزدیک به ۵۷ کشور، از جمله کشورهای عضو گروه موسوم به «بریکز» (برازیل، روسیه، هند و افریقای جنوبی) و نیز چند کشور شریک ایالات متحده مانند آلمان، انگلستان، فرانسه، ایتالیا، هلند، استرالیا، کوریا ی جنوبی، اسرئیل و غیره به آن پیوستند.

جمعیت آن (نزدیک به یک و نیم میلیارد تن) چنان انبوه است که وزن کلی اقتصاد آن به سطحی بی سابقه رسیده است. درواغ، ازدسامبر سال ۲۰۱۴، چین از نظر قدرت خرید مردم خود نخستین قدرت اقتصادی جهان است. اقتصاد آن ۵.۱۶ درصد از اقتصاد جهانی است در صورتی که ایالات متحده که ازسال ۱۸۷۲ «نخستین قدرت اقتصادی جهان» بوده، سسهمی ۳.۱۶ درصدی در اقتصاد جهانی دارد.

روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله یانگور دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.

www.dailyafghanistan.com  
TheDailyAfghanistan@yahoo.com

کارتون روز



صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا  
مدیر مسول: محمد رضا هویدا  
سردبیر: حفیظ الله زکی  
کاریکاتوربست: خالق علی زاده

دبیران: محمد صالحی، علی اصغر زاهدی  
مسئول وب سایت: مهدی صالحی  
آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷

